

سیاست‌های پولی و نظام بانکی کشور را افزایش می‌دهد،
 ۵۴- استقلال بانک مرکزی، سیستم را در برابر پذیرش و اجرای استانداردهای جدید بانکداری منعطف می‌سازد،
 ۵۵- استقلال بانک مرکزی، دامنه تأثیرگذاری شورای پول و اعتبار بر سیاستگذاری‌های پولی را معین می‌سازد،
 ۵۶- استقلال بانک مرکزی، می‌تواند باعث تقویت نظارت این نهاد بر بانک‌ها شود،
 ۵۷- استقلال بانک مرکزی، فشار پیرامونی احزاب و گروه‌های سیاسی (البته در یک اقتصاد سالم) جهت تغییر تصمیمات را تعدیل می‌کند،
 ۵۸- استقلال بانک مرکزی، جایگاه این نهاد را نزد افکار عمومی شفاف‌تر می‌کند،
 ۵۹- استقلال بانک مرکزی، می‌تواند به چندگانگی مقررات و قوانین بانکی در کشور پایان دهد،
 ۶۰- و دهه‌ها علت، برهان و دلایل کارشناسی دیگر که نمی‌تواند از نگاه بانکداران و اقتصاددانان خبره و نقاد دور بماند.

۴۷- استقلال بانک مرکزی، می‌تواند نرخ بیکاری را تعدیل کند،
 ۴۸- استقلال بانک مرکزی، احساس مسوولیت این نهاد را در قبال انتشار گزارش‌های آماری بیشتر می‌کند،
 ۴۹- استقلال بانک مرکزی، مسوولیت و تعهد این نهاد را در قبال صحت اطلاعات منتشره افزایش می‌دهد،

● استقلال بانک مرکزی و ارتقای موقعیت

۵۰- استقلال بانک مرکزی، باعث ارتقای سطح اعتبار بانک مرکزی، و نظام بانکداری کشور در محافل پولی و مؤسسات بین‌المللی می‌شود،
 ۵۱- استقلال بانک مرکزی، می‌تواند حتی در تعدیل نرخ ریسک اعتباری کشور مؤثر باشد و رتبه اعتباری کشور را ارتقا دهد،
 ۵۲- استقلال بانک مرکزی، در تقویت موقعیت اصلاحات راهبردی در سیستم بانکی مؤثر است،
 ۵۳- استقلال بانک مرکزی، اعتماد و اطمینان بین‌المللی به

گفت و گوی تحلیلی در مورد «استقلال بانک مرکزی» با دکتر محمد مهدی بهکیش،

دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

مسوولیت بدون اختیار

● استاد ارجمند، جناب دکتر بهکیش! پیشاپیش از قبول این دعوت و شرکت در این گفتگو تشکر می‌کنم و خواهش می‌کنم در ابتدا بفرمایید که هم اکنون، بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی و تدابیر بانکی به چه میزان دارای استقلال است؟

□ قبل از پاسخ به سوال شما، باید اشاره کرد که در دنیا سیاست‌های پولی و مالی را به این علت از یکدیگر تفکیک کرده‌اند که سیاستگذاری و نظارت مناسبی در مورد این بخش از سیاست‌های اقتصادی اعمال شود. اگر در کشوری تنها وزارت اقتصاد سیاستگذار باشد، به طور طبیعی، دولت‌ها به دلیل نیازهای مالی که برای مصارف عمومی دارند، می‌توانند از طریق وزارت اقتصاد، تصمیم‌هایی را اتخاذ کنند که چندان صحیح نباشد. به همین خاطر، در دنیای اقتصاد، حوزه سیاستگذار پولی از سیاستگذار مالی جدا شده است.

سیاستگذار مالی، به طور کلی، ابزارهای مالی را در اختیار دارد و از طریق اخذ مالیات، بر نحوه هزینه‌های دولت مدیریت می‌کند، و سیاستگذار پولی هم بر کنترل حجم پول، تعیین نرخ بهره (یا سود) و موارد دیگر مدیریت می‌کند. سیاست‌های پولی را بانک‌های

مرکزی در کشورها تعیین می‌کنند. از اینرو، سیاستگذاری در این دو حوزه، تفکیک شده است تا سیاست‌های اقتصادی به صورت مناسب اجرا شود، زیرا دولت‌ها علاقمند هستند که از طریق اتخاذ سیاست‌های مالی، کسری بودجه و منابع مورد نیاز برای هزینه‌های بودجه سالانه را تأمین کنند. تأمین کسری بودجه از طریق سیاست‌های پولی ممکن است منجر به انتشار پول و رشد نقدینگی شود که تورم‌زا است. بنابراین، بانک مرکزی مستقل یا سیاستگذار پولی دارای استقلال، از اتخاذ چنین سیاست‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند. بانک‌های مرکزی هم برای جلوگیری از بی‌انضباطی مالی و اعمال سیاست‌های صحیح پولی، ابزارهای پولی را در اختیار دارند.

اما در مورد وضعیت استقلال بانک مرکزی در کشور خودمان باید گفت که چون در قبل و بعد از انقلاب، درآمد بودجه از طریق فروش نفت (پetro دلار) تأمین می‌شد، اصولاً بانک مرکزی مستقل از دولت نبوده است، زیرا بانک مرکزی بوده است که این ارز را تخصیص می‌داد، بنابراین، این نهاد به بخشی از کار اجرایی دولت تبدیل شده، و به همین دلیل هم دولت نفوذ زیادی بر روی بانک مرکزی داشته است، و به دنبال آن، سیاستگذار پولی نیز دارای

○ اصولاً در ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب - به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از درآمد بودجه از طریق فروش نفت تأمین شده است، بانک مرکزی مستقل از دولت نبوده، زیرا بانک مرکزی این ارز را تخصیص می‌داده است، بنابراین، این نهاد به شعبه‌ای از امور اجرایی دولت نیز تبدیل شده است.

بانک مرکزی اعطا شود و این بانک هم بتواند مسوولیت خود را اجرا کند.

● آقای دکتر! آیا اساساً در حال حاضر، تلاش و کوششی برای استقلال بانک مرکزی از سوی نهادهای مسوول صورت می‌گیرد؟

□ استنباط من این است که مسوولان اجرایی مملکت قانع شده‌اند که سیاستگذار پولی، یعنی بانک مرکزی باید مستقل شود، منتها از نظر اجرایی مقررات باید تغییر یابند و تحولاتی باید از نظر سازمانی صورت گیرد؟

● کدام دستگاه یا نهاد باید پیشقدم شود؟

□ قاعدتاً این کار از طریق شورای عالی اداری می‌تواند صورت بگیرد. زمینه‌سازی آن هم نیازی به مصوبه مجلس ندارد. شورای عالی اداری می‌تواند ضمن این تغییر ساختاری که اکنون در جریان



▲ دکتر بهکیش: قبل از انقلاب، بانک مرکزی تا اندازه‌ای از نظر شکل و ساختار، دارای استقلال بود، اما...

است، این مسأله را مرتفع کند. به نظر من، اکنون مشکلی وجود ندارد. تا چند سال قبل، اعطای استقلال به بانک مرکزی، پرسش برانگیز بود، اما اکنون بیشتر مقام‌های عالی‌رتبه کشور قانع شده‌اند که این کار به نفع مملکت است.

● آقای دکتر! چرا رییس کل بانک مرکزی صراحتاً اعلام نکرده است که بانک مرکزی استقلال می‌خواهد؟

□ به نظر من، به دلیل شرایط خاصی که در کشور داریم، رییس کل بانک مرکزی همیشه سعی کرده است که سازگاری مناسبی در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد و ایجاد بحران نکند. به محض اینکه رییس کل مرکزی این حرف را بزند، این موضوع استنباط می‌شود که وی می‌خواهد حکم انتصابش را مقام بالاتری صادر کند. بنابراین، برای اینکه این تصور پیش نیاید که رییس کل بانک مرکزی به دنبال ارتقای موقعیت سازمانی خودش می‌باشد، در این زمینه سکوت کرده است.

● مطمئن هستید؟

□ برداشت من این است. به علاوه، در گزارش‌های بانک

استقلال نبوده است.

● تصور نمی‌کنید که استقلال بانک مرکزی در قبال از انقلاب بیشتر بوده است؟

□ قبل از انقلاب، بانک مرکزی تا اندازه‌ای از نظر شکل و ساختار، دارای استقلال بود، چون که رییس کل بانک مرکزی از سوی بالاترین مقام اجرایی مملکت منصوب می‌شد و در نتیجه، حداقل، استقلال سازمانی را برای بانک مرکزی قابل بودند، اما متأسفانه در سال‌های بعد از انقلاب، به دلایل دیگری رییس کل بانک مرکزی را وزیر اقتصاد باید منصوب کند و این کار هم مشکلات زیادی را بوجود آورده است.

● چه مشکلاتی؟

□ همان استقلال نسبی را که سیاستگذار پولی داشت، از بین برد و بانک مرکزی را به زیر مجموعه وزارت اقتصاد تبدیل کرد. بانک مرکزی مسوول سیاستگذاری پولی مملکت است و برای انجام این مسوولیت باید اختیاراتی هم داشته باشد، یعنی مسوولیت‌خواهی باید در برابر اعطای اختیار باشد. اکنون که عملاً اختیار از بانک مرکزی گرفته شده است، به طور طبیعی، این بانک احساس مسوولیت کافی نمی‌کند و یا آنکه امکانات اجرایی کافی ندارد و این وضع به صلاح و به نفع مملکت نیست. در نتیجه، از نظر سازمانی و گسترش اختیارات بانک مرکزی، باید تجدیدنظر صورت بگیرد.

به نظر من، در طرح اداره بانک‌های دولتی که از سوی مجلس شورای اسلامی ارایه شده، این امر باید در مدنظر قرار بگیرد.

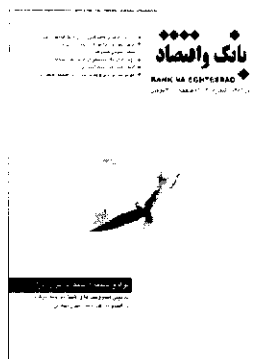
ولی اصولاً حتی اگر بانک مرکزی ما از نظر سازمانی هم مستقل شود، باز از نظر اجرایی امکان اجرای سیاست‌های پولی را به میزان لازم ندارد، به علت این که بانک مرکزی ابزارهای مورد نیاز را در اختیار ندارد. به عنوان نمونه، یکی از ابزارهایی که بانک‌های مرکزی در دنیا از آن استفاده می‌کنند، مداخله در تعیین نرخ بهره است. بانک‌های مرکزی نرخ بهره را از طریق «تنزیل مجدد» بالا و پایین می‌برند تا سیاست‌های پولی ضامن رشد اقتصادی مستمر باشد. اما استفاده از این ابزار، به دلیل وجود و اجرای مقررات بانکداری بدون ربا، امکان‌پذیر نیست. در عملیات «تنزیل مجدد» بانک‌ها، اوراق و اسنادشان را نزد بانک مرکزی برده و آن را تنزیل می‌کنند و در نتیجه، بانک مرکزی، می‌تواند به صورت مداوم و مستمر در تعیین نرخ بهره مداخله لازم را به عمل آورد. همچنین، ابزار «عملیات بازار باز» هم در اختیار بانک مرکزی نیست.

● پس اکنون بانک مرکزی چگونه بازار پول را کنترل می‌کند؟ و اعمال سیاست‌های پولی چگونه صورت می‌گیرد؟

□ بانک مرکزی به استفاده از یک سری ابزارهای پولی غیرمستقیم و فرعی روی آورده است. من تصور می‌کنم که باید فکری کرد تا اختیار بکارگیری ابزارهای متداول و متعارف پولی به



○ قبلاً از انقلاب، تا اندازه‌ای از نظر شکل و ساختار، بانک مرکزی دارای استقلال بود، چون که رییس کل بانک مرکزی از سوی بالاترین مقام اجرایی کشور منصوب می‌شد و در نتیجه، بانک مرکزی حداقل از یک استقلال سازمانی برخوردار بود، اما متأسفانه در بعد از انقلاب، به دلایل دیگری رییس کل بانک مرکزی را وزیر اقتصاد می‌کنند. این کار، مشکلات زیادی را بوجود آورد.



□ بله، همینطور که امروز بانک مرکزی توانسته است جلوی افزایش بدهی از سوی دولت به بانک مرکزی را بگیرد، اگر در سال‌های برنامه اول و دوم توسعه هم جلوی این کار را می‌گرفت، نرخ تورم و رشد نقدینگی افزایش نمی‌یافت و این تورم امروزی را نداشتیم.

● **ارزیابی شما از مسوولیت‌های کنونی بانک مرکزی چیست؟ آیا بانک مرکزی آن احساس مسوولیت شایسته و بایسته را دارد؟**

□ به بانک مرکزی ما، هم چون بانک‌های مرکزی دیگر طبق قانون مسوولیت اعطا شده است، اما اختیارات و ابزار را نداده‌ایم. در نتیجه، وقتی اختیارات لازم را ندارد، نمی‌تواند جلوی سیاست‌های نادرست پولی را بگیرد. همانطوریکه مشاهده کردیم، در برنامه اول توسعه دولت کسری بودجه را از طریق استقراض از بانک مرکزی جبران کرد و بانک مرکزی هم مجبور به این کار بود. در پایان امسال هم با کسری بودجه مواجه هستیم و اگر طبق قانون برنامه سوم توسعه استقراض دولت از بانک مرکزی ممنوع نشده بود، دولت دست به این کار می‌زد.

افزایش نقدینگی در گذشته، اکنون این «تورم بالا» را ایجاد کرده است و نگرانی ما از «تورم مخفی» است، چون حجم عرضه پول خیلی بیشتر از نرخ تورم در یکی دو سال اخیر بوده است. این تورم مخفی، یک انرژی نهفته است که هنوز خود را نشان نداده است.

● **آیا عدم استقلال بانک مرکزی باعث نشده است که بانک مرکزی در مقابل سیاست‌های اتخاذ شده، پاسخگو نباشد؟**

□ وقتی بانک مرکزی استقلال کافی برای تصمیم‌گیری ندارد، بدیهی است که توجه پیدا می‌کند و می‌گوید که به فلان دلیل نتوانستم سیاست‌های پولی را به درستی اعمال بکنم، رییس کل بانک مرکزی در سایر کشورها حتی در جلسات هیأت دولت هم شرکت نمی‌کند، برای اینکه حضور رییس کل بانک مرکزی در کابینه دولت به مثابه یک رأی است در برابر بیست و چند رأی هیأت دولت. اعضای هیأت دولت مرتباً تصمیم می‌گیرند و دست بلند می‌کنند و رییس کل بانک مرکزی در اقلیت قرار می‌گیرد، در صورتی که رییس کل بانک مرکزی نباید تابع تصمیم‌گیری‌های پولی دولت باشد و باید سیاست مستقل خودش را داشته باشد. به عبارت دیگر، بانک مرکزی موظف است که در جهت دستیابی به اهداف کلان دولت، به صورت مستقل، از ابزارهای پولی در اختیار بهره‌بهمینه گیرد.

● **در قانون پولی و بانکی کشور، مصوب سال ۱۳۵۱ و بازنگری آن در سال ۱۳۵۹ و همچنین، در مقررات ناظر بر بانک مرکزی، ریاست شورای پول و اعتبار بر عهده رییس کل بانک مرکزی است، اما در قانون برنامه سوم توسعه، به یکباره ریاست این شورا به وزیر اقتصاد واگذار شده است. آیا این مصوبه بیش از پیش استقلال اندک بانک مرکزی را محدود نکرد؟**

مرکزی همیشه به این موضوع برخورد کرده‌ام - حتماً این گزارش‌ها برای مقامات ارشد کشور هم ارسال شده است - که بانک مرکزی باید استقلال خودش را داشته باشد، ولی در عرصه روزنامه‌نگاری سعی می‌شود که از سیاسی شدن موضوع جلوگیری شود که این امر درستی است.

● **باور دارید که همسویی و گرایش‌های سیاسی روسای کل بانک مرکزی یا دولت‌های وقت، باعث شده است که بانک مرکزی استقلال خودش را پیدا نکند؟**

□ بانک مرکزی در ایران به دلیل اینکه ارز را در اختیار دارد و ارز را او تخصیص می‌دهد، از طرف دولت عمل می‌کند و بنابراین، هزینه کردن ارز هم باید بنا به دستور دولت باشد، در نتیجه، بانک مرکزی همواره مجری سیاست‌های دولت و دستورات روزمره او بوده است. بانک‌های مرکزی در سراسر کشورهای دنیا چنین مسوولیتی را ندارند، چون ارز در بازار خرید و فروش می‌شود. بنابراین، بانک مرکزی ما عملاً مجری دستورات دولت شده است. در واقع، تفکیک سیاست‌های پولی از سیاست‌های ارزی خیلی امکان‌پذیر نبوده است. سیاست‌های ارزی بدین گونه از سوی دولت ابلاغ می‌شود که چون ارز متعلق به دولت است و در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد، پس بانک مرکزی باید مجری سیاست‌های ارزی دولت باشد. البته در سایر سیستم‌ها نیز ذخایر ارزی در اختیار بانک مرکزی است، و بانک مرکزی به دلیل اعمال سیاست‌های پولی وارد بازار ارز می‌شود نه به خاطر تخصیص ارز. به همین صورت است که بانک مرکزی در «عملیات بازار باز» می‌تواند ارز خرید و فروش کند و در بازار مداخله داشته باشد. البته از امسال که ارز تک نرخ شده است، از این ابزار به تدریج استفاده می‌شود.

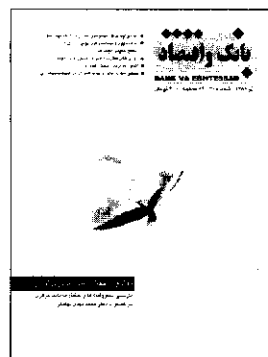
از طرف دیگر، شما به همسویی روسای بانک مرکزی با سیاست‌های دولت اشاره کردید. در این زمینه باید توجه داشته باشیم که اصولاً قرار نیست که بانک مرکزی سیاستی مغایر با سیاست‌های دولت اتخاذ کنند. در واقع، می‌توان گفت که بانک‌های مرکزی وظیفه‌های جداگانه دارند تا سیاست‌های کلی دولت را محقق کنند، منتها یک سری ابزار هم به عنوان اهرم‌های اجرای سیاست‌های پولی وجود دارد که اکنون در اختیار بانک مرکزی ما نیست.

● **بالاخره، اگر بانک مرکزی استقلال داشت، می‌توانست مخالفت خود را با خیلی از سیاست‌های دولت که مغایر با اهداف کلان و مانع دستیابی به شاخص‌های اقتصادی است، ابراز کند؟**

□ دقیقاً! اگر بانک مرکزی استقلال داشت، این تئوری که امروز در کشور وجود دارد، می‌توانست وجود نداشته باشد. ما در سال‌های گذشته، بانک مرکزی را مجبور کردیم که دست به انتشار پول بزند، در حالی که اگر استقلال داشت، احتمالاً این کار صورت نمی‌گرفت. بنابراین، تئوری را که امروز در کشور وجود دارد، می‌توان بعضاً ناشی از استقلال نداشتن بانک مرکزی دانست.

● **گویا بررسی‌های متعدد هم وجود این رابطه را نشان می‌دهند. این طور نیست؟**

○ **رییس کل بانک مرکزی در خیلی از کشورها حتی در جلسات هیأت دولت هم شرکت نمی‌کند، برای اینکه حضور رییس کل بانک مرکزی در کابینه دولت، به معنای یک رأی است در برابر چند رأی، در حالی که در اجزای سیاست‌های پولی او نمی‌تواند تابع رأی وزیران باشد.**



شاید به اندازه کافی تلاش نکرده باشد. بانک مرکزی باید ضرورت این استقلال را در سطح افکار عمومی کشور توجیه کند. اختلاف نظر در سطح کارشناسی و حتی در سطح مسوولان طبیعی است و باید باشد، ولی تصمیم‌گیرنده در همه جا بانک مرکزی است، چون اوست که تنزیل مجدد را انجام می‌دهد و نرخ بهره را بالا و پایین می‌برد، همانگونه که محری سیاست‌های مالی وزارت اقتصاد است و بانک مرکزی در آن دخالتی ندارد.

● در ایران اینگونه نیست؟

□ در ایران اینطور نیست. ما در شرایط حاضر مکانیزم اجرایی برای تنزیل مجدد نداریم، بنابراین، نرخ‌ها از طریق قیمت‌گذاری تعیین می‌شود و قیمت‌گذاری هم که مطرح شود، اختلاف‌نظرها ظاهر می‌شود.

● شما تصور می‌کنید که بانک مرکزی در مورد مسوولیت‌ها



▲ دکتر بهکیش: اکنون که عملاً اختیار از بانک مرکزی گرفته شده است، به طور طبیعی، این بانک احساس مسوولیت نمی‌کند و این وضع به صلاح مملکت نیست.

و استفاده از ابزارها و اختیاراتش دچار یک پارادوکس شده است؟

□ به نظر من، الان دچار پارادوکس است: از یک طرف، اختیارات کافی ندارد و از آن طرف، مسوولیت از او می‌خواهیم. این درست است که بانک مرکزی باید سیاست‌های پولی را به درستی ایفا کند تا مملکت بتواند در جهت رشد اقتصادی حرکت کند، اما وقتی که استقلالش را از او می‌گیریم و ابزار لازم را در اختیارش نمی‌گذاریم، در نتیجه، این بانک برای عدم اجرای وظایفش توجیه پیدا می‌کند.

● یک سری از محدودیت‌هایی که بانک مرکزی برای استفاده از ابزارهای پولی با آنها روبه رو است، مسایل شرعی هستند، مسایلی که از لحاظ دین اسلام، مشکوک به شبه ربوی بودن هستند.

□ در محافل فقهی و کارشناسی بحثی در جریان است که

□ به نظر من، این تصمیم غلط بود و با تئوری‌های موجود همخوانی نداشت. شورای پول و اعتبار باید ترکیبی از متخصصان باشد، نه مصرف‌کنندگان پول و ارز (دستگاه‌های دولتی). متأسفانه، شورای پول و اعتبار از دو بعد اشکال دارد: اول اینکه، مصرف‌کنندگان پول در آن حضور دارند و تصمیم‌گیری می‌کنند، یعنی دستگاه‌هایی که خودشان نیاز به پول دارند، درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند و دوم اینکه، ریاست آن بر عهده وزیر اقتصاد است و این هم اشتباه است. شورای پول و اعتبار باید متشکل از متخصصان و آنهایی باشد که دارای تجربه پولی هستند، رییس آن هم باید رییس کل بانک مرکزی باشد تا مسوولیت و اختیار با هم همخوانی داشته باشند. در شکل فعلی، بانک مرکزی می‌تواند توجیه کند که اگر من نتوانستم سیاست‌های پولی را به درستی ایفا کنم، به این علت است که شورای پول و اعتبار چنین تصمیمی گرفته است، و شورای پول و اعتبار هم در اختیار بانک مرکزی نیست.

● نمونه این ناهماهنگی هم بحث تعیین نرخ سود بانکی و

نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها در نزد بانک مرکزی است که شورای پول و اعتبار آن را کاهش داده، اما بانک مرکزی با این تصمیم مخالف است؟

□ من در ابتدا هم عرض کردم که یکی از ابزارهای سیاست‌های پولی، پایین و بالا بردن نرخ سود یا نرخ بهره است. این ابزار از ابزارهای بسیار مهم بانک مرکزی برای اعمال سیاست‌های پولی است. حال معلوم نیست که این ابزار چگونه می‌تواند در اختیار بانک مرکزی نباشد؟ بدون تردید، در تمام دنیا - بدون استثنا - تعیین نرخ بهره در اختیار بانک مرکزی است، البته نه به طور مستقیم، بلکه از طریق مکانیزم تنزیل مجدد اسناد بانک‌های تجاری، اما متأسفانه ما در کشور نرخ بهره را مانند کالا قیمت‌گذاری می‌کنیم! بانک مرکزی در همه جای دنیا از طریق این مکانیزم، نرخ بهره را بالا یا پایین می‌برد و این ابزار هم از ابزارهای مستقل بانک مرکزی است که باید در اختیار بانک مرکزی قرار داشته باشد. این روزها شاهد مثال آن را در رفتار بانک‌های مرکزی اروپا می‌بینیم که برای ایجاد رونق در اقتصاد به صورت مرتب نرخ بهره را کاهش می‌دهند.

● آیا اختلاف نظری که میان وزیر اقتصاد و رییس کل بانک

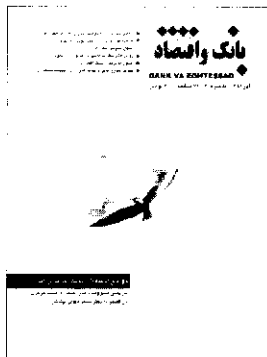
مرکزی وجود دارد، ناشی از ندانستن استقلال بانک مرکزی نیست؟ بالاخره، همگان می‌دانند که میان این دو مقام تفاوت نظر وجود دارد؟

□ به نظر من، بانک مرکزی تلاش فراوان کرده است تا از طریق ایجاد استقلال نسبی به وظیفه خودش عمل کند، اما متأسفانه در کشور ما این استقلال به نوع دیگری در مطبوعات تفسیر شده است، در صورتی که استقلال، به نظر من، معنی‌اش این است که بانک مرکزی باید در زمینه اجرای سیاست‌های پولی مسوول باشد. ما وقتی این استقلال را گرفتیم، عملاً مسوولیتش را هم لوذ کرده‌ایم.

به نظر من، بانک مرکزی تلاش خودش را کرده است، اگرچه

○ اگر بانک مرکزی دارای استقلال بود، این تصور بالایی که امروز وجود دارد، می‌توانست وجود نداشته باشد.

○ تا چند سال قبل، اعطای استقلال در سیاست‌گذاری به بانک مرکزی پرسش برانگیز بود، اما اکنون همه مسوولان عالی‌رتبه مملکت به این نتیجه رسیده‌اند که این کار باید صورت گیرد، زیرا به نفع مملکت است.



هم باید محدودیت‌هایی را که برای بانک‌های تجاری به وجود آورده، تصحیح کند، ولی در مقابل، باید ضوابطی به وجود بیاید که بانک‌های تجاری بتوانند به صورت مستقل فعالیت کنند. اگر نقایص این طرح بر طرف شود، استقلال بانک‌های تجاری می‌تواند معنی پیدا کند. به نظر من، بانک مرکزی هم چندان علاقه‌ای به کنترل بانک‌های تجاری خارج از حیطه سیاست‌گذاری پولی ندارد و کارش چیز دیگری است مثل اعمال سیاست‌های پولی، و بانک مرکزی علاقمند است که به مسوولیت اصلی‌اش برگردد. البته نظارت بر بانک‌های تجاری همیشه و در همه دنیا به عهده بانک مرکزی است.

● بانک‌های تجاری از کدام نهاد باید مستقل شوند؟

□ بانک‌های تجاری، سرمایه‌ای دارند که فعلاً مال دولت است. پس مجمع عمومی بانک‌های تجاری، دولتی است، ولی بانک‌ها بیشتر با پول مردم عمل می‌کنند و چندین برابر سرمایه‌شان از مردم سپرده می‌گیرند.

پس این بانک‌ها ضمن این که در برابر صاحبان سهام (دولت) مسوول هستند، در برابر مردم، یعنی سپرده‌گذاران نیز مسوولیت دارند. بانک چون یک بنگاه و واحد اقتصادی است، باید بکوشد تا عملیاتش در چارچوب قانون سودآور باشد تا سود بیشتری را هم به صاحبان سهامش بپردازد.

بنابراین، بانک تجاری نمی‌تواند مجری دستورات دولت باشد. اما متأسفانه، بعد از انقلاب، بانک‌های تجاری از نهاد دولت مستقل نبوده‌اند و مجری دستورات و فرامین و سیاست‌های دولت شده‌اند، مثل پرداخت وام با نرخ‌های ترجیحی. بانک‌های تجاری حق پرداخت سپرده‌های مردم با نرخ‌های ترجیحی را نداشته‌اند. دولت اگر می‌خواهد سوبسیدی بپردازد، باید از محل بودجه دولت این سوبسیدها یا یارانه سود بانکی را پرداخت کند. اینجاست که استقلال بانک‌های تجاری معنا پیدا می‌کند.

● در پایان خواهش می‌کنم بفرمایید که سرانجام، برای استقلال بانک مرکزی چه باید کرد؟

□ استقلال بانک مرکزی چهار بعد مهم دارد: اول اینکه، رییس کل بانک مرکزی باید از طریق رییس جمهوری یا بالاترین مقام مملکت انتخاب و منصوب شود؛ دوم، باید ابزارهای پولی کافی برای اعمال سیاست‌های پولی در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد؛ سوم، ریاست نهاد سیاستگذار پولی، یعنی شورای پول و اعتبار باید بر عهده بانک مرکزی باشد و چهارم اینکه، ترکیب شورای پول و اعتبار باید از جمع مصرف‌کنندگان پول، به حضور متخصصان تعیین پیدا کند.

● مجدداً از جنابعالی تشکر می‌کنیم.

حرمت ربا تا چه حد مشمول نرخ بهره جاری بانک‌ها می‌شود؟ حرمت ربا قطعی است، ربا حرام است، ولی معنی این ربا چیست؟ چون این بحث هنوز خاتمه پیدا نکرده و روشن هم نیست، لذا ما نرخ بهره را کاملاً با ربا برابر گرفتاریم. این موضوع از حیطه کارشناسی اقتصادی خارج است. این بحث در محافل شرعی باید سامان بگیرد. منتها نظر کارشناسان اقتصاد هم باید مطرح باشد، ولی بستر کارشناسی نمی‌تواند درباره مسایل شرعی تصمیم بگیرد و این کار را هم نمی‌کند. طبیعتاً چون براساس مقررات فعلی، تنزیل مجدد به طریق متداول در دنیا نمی‌تواند به صورت مناسب صورت بگیرد، در نتیجه، بانک مرکزی هم ابزار نرخ بهره را از دست داده است.

● تحلیل‌هایی وجود دارد مبنی بر این که وزارت اقتصاد اکنون تلاش بیشتری را برای در اختیار گرفتن مدیریت و سیاست‌گذاری امور پولی و بانکی آغاز کرده است. نظر تان در این مورد چیست؟

□ در طی تاریخ بیست و چند ساله بعد از انقلاب، از یک طرف، بانک مرکزی در مقابل اجرای سیاست‌های پولی استقلالش را از دست داده و از آن طرف، بانک‌های تجاری هم استقلالشان را از دست داده‌اند و به شعبه‌ای از بانک مرکزی تبدیل شده‌اند. این هم اشتباه است. بانک مرکزی و بانک‌های تجاری نباید به صورت شعبه یا مجری دستورات عمل کنند. بانک‌های تجاری باید مسوولیت مستقل داشته باشند و نسبت به سهامدارشان که دولت یا غیر آن است، پاسخگو باشند. بنابراین، بانک‌های تجاری ما به دلیل این که اختیارشان گرفته شده، در این سال‌ها برای هر کاری که بخواهند انجام بدهند، مجبورند از بانک مرکزی اجازه بگیرند. متأسفانه بانک‌های تجاری با این کار از خودشان رفع مسوولیت کرده‌اند، در صورتی که بانک‌های تجاری در برابر سرمایه‌ای که در اختیارشان هست، باید طبق قانون بتوانند خدمات مورد نیاز را ارائه بدهند، و البته در برابر مجمع‌شان مسوولند.

همانطور که اطلاع دارید، اخیراً طرحی در مجلس در جریان است برای تغییر وضعیت اداره بانک‌های تجاری دولتی. این طرح را من دیده‌ام و به نظر من، رویکرد مثبتی دارد. البته پیشنهادهایی هم داشته‌ام که ارایه داده‌ام. در این طرح مقداری از اقتدار و مسوولیت بانک‌ها به طور روشن‌تر تعریف شده است.

● شما استقلال بانک مرکزی را مقدم بر استقلال بانک‌های تجاری می‌دانید یا اینکه معتقدید ابتدا باید استقلال بانک‌های تجاری تأمین شود و سپس استقلال بانک مرکزی استیفا شود؟

□ به نظر من، اینها مقدم و مؤخر ندارند، دو پدیده‌ای است که باید هر دو اتفاق بیفتند. بانک‌های تجاری باید استقلال و مسوولیت خودشان را داشته باشند، منابع را براساس مکانیزم بازار تأمین کنند و از آن طرف، چون مؤسسات اقتصادی هم بشمار می‌روند، لذا باید سودآور باشند. و در برابر مجمع‌شان پاسخگو باشند. بانک مرکزی

○ استقلال بانک مرکزی چهار بعد دارد: اول اینکه، رییس کل بانک مرکزی باید از سوی بالاترین مقام اجرایی مملکت، یعنی رییس جمهور انتخاب و منصوب شود؛ دوم، ابزارهای سیاست‌های پولی باید در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد؛ سوم، ریاست نهاد سیاستگذار پولی، یعنی شورای پول و اعتبار بر عهده بانک مرکزی باشد و چهارم، ترکیب شورای پول و اعتبار باید از جمع مصرف‌کنندگان پول، به حضور متخصصان تعیین پیدا کند.